

افسانه مهاجرت زردشتان به هند

• سید مهدی موسوی نیا^۱
کارشناس ارشد باستان‌شناسی



■ The Zoroastrian Myth of Migration from Iran and Settlement in the Indian Diaspora

■ Alan Williams

■ BRILL, 2009

درباره نویسنده

ویلیامز مدرک دکترای خود را درباره‌ی ایران‌شناسی در سال ۱۹۸۴ میلادی از دانشگاه لندن گرفت و هم‌اکنون استاد ایران‌شناسی و مذاهب تطبیقی دانشگاه منچستر است. او تألیفات گسترده‌ای در باب کیش زرتشت آن‌جام داده و هم‌چنین کتاب مثنوی مولوی را نیز در سال ۲۰۰۶ میلادی به نثر انگلیسی برگردانده است. تسلط مؤلف بر متون پهلوی، اوستایی و شعرهای کهن ایرانی، و درک بی‌واسطه (مشاهده عینی) فضاها و مراسم مذهبی زرتشتی، توانایی آن را در تألیف چنین کتابی نشان می‌دهد.

کتاب فوق بر اساس کتاب «قصه سنجان» (تصویر شماره ۱) که در آن داستان سفر زرتشتیان ایران به هند را تشریح می‌کند، نوشته شده است. پس از حمله اعراب به ایران و شکست امپراطوری ساسانی، بسیاری از زرتشتیان به جزیره‌ی هرمز فرار و از آن‌جا به گجرات هند مهاجرت کردند (تصویر شماره ۲) و بعدها در خلال قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی و در نتیجه تجارت با اروپائیان و به تشویق انگلیسی‌ها در شهر بمبئی اقامت گزیدند. قصه‌ی سنجان که بعد از دگرگونی بنیادهای ادبی، دینی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی جامعه ساسانی توسط اعراب مسلمان، نوشته شده است، از معدود آثار زرتشتیان بعد از حمله اعراب است. این داستان حاوی قصه مهاجرت پارسیان به هند و مصائب و مشکلات سفر و انگیزه‌های مهاجرت می‌باشد. روایت این داستان نسل به نسل در بین پارسیان منتقل و در نهایت توسط بهمن کیقباد پسر دستور هرمزدیار سنجانا از خاندان معروف و دانشمند زمان، در روز خرداد از ماه فروردین به سال ۹۶۹ یزدگردی برابر با ۱۶۰۰ میلادی به نظم درآمد. بهمن کیقباد روایت می‌کند که این داستان را از موبدی قابل اعتماد شنیده و در جای دیگر اشاره می‌کند که این داستان بسیار مفصل بوده و در کتاب قصه سنجان، فقط یک درصد آن آمده است. نویسنده (بهمن کیقباد) در ابتدای کتاب به ستایش خداوند پرداخته و بعد از درخواست بخشایش از پروردگار، نگاه کوتاهی به دوران پادشاهی ویشناسپ کیانی، اسکندر، تثبیت و پیشرفت دین در زمان اردشیر و شاپور، و شکست ایران از اعراب، انداخته است. در ادامه اشاره می‌کند بعد از یک سده زندگی در جبال خراسان (سنجان، از توابع خواف)، و اعمال فشار علیه آن‌ها به سمت جزیره هرمز حرکت کردند و مدت ۱۵ سال در آن‌جا اقامت گزیدند:

مقام و جای و باغ و کاخ و ایوان

همه بگذاشتند از بهر دینشان

نویسنده با انتقاد از نویسندگان قبلی که در باب قصه سنجان مطالبی نوشته‌اند، تمام آن مطالب را تاریخ‌نگاری صرف و شرح شعروار وقایع و گزارش‌های ضعیف تاریخی می‌داند

افسانه مهاجرت

در آثار برخی از نویسندگان صدر اسلام نیز به سنجان ایران و مسیر مهاجرت پارسیان به هند اشاره می‌شود. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب، سنجان یا سنگان را از توابع خواف معرفی می‌کند.^۲ در معجم البلدان نیز از چهار سنجان نام برده شده که همگی در خراسان بزرگ بودند.^۴ احمد بن یحیی البلاذری نیز در کتاب فتوح البلدان اشاره به مهاجرت عده‌ای از پارسیان به هند از طریق جزیره‌ی هرمز می‌کند.^۵

برخی از خاورشناسانی که بر روی مهاجرت پارسیان به هند مطالعه کرده‌اند، معتقدند که این جریان مهاجرت یک‌دفعه نبوده، بلکه این جریان چند بار و به صورت گروهی از جزیره‌ی هرمز انجام گرفته است. از جمله این دانشمندان می‌توان به جکسون اشاره کرد که معتقد است اولین موج این مهاجرت‌ها مربوط به سال ۷۱۶ میلادی، مصادف با شصت و پنجمین سال مرگ یزدگرد سوم است. وی اعتقاد دارد، دسته دوم ایرانیان به سال ۷۷۵ میلادی (۱۵۴

به کوهستان همی ماندند صد سال

چو ایشان را بدین گونه شده حال

ابا دستور و بهدین یگانه

به‌سوی شهر هرمز شد روانه

بعد از فتح این جزیره توسط اعراب، زرتشتیان به سوی هندوستان مهاجرت و پس از پشت سر گذاشتن مصیبت‌ها و طوفان‌های سهمگین وارد هند می‌شوند:

زن و فرزند در کشتی نشاندد

به‌سوی هند کشتی تیز راندند

و در جای دیگری اشاره می‌شود:

تو ای آب و ای باد و ای کوه و خاک

ز ما گوی بدرود بر مام پاک

بگو نام نیک تو پاینده باد

دل ما ز مهر تو تابنده باد

مرنج از ز تو روی برتافتیم

سوی کشور هند بشتافتیم

سپاس و درود تو داریم پاس

تو را نیک خواهیم و هوده شناس

به یاد تو یک شعله روشن کنیم

بنام تو یک گوشه گلشن کنیم

آن‌ها بعد از ورود به گجرات، شرایط حاکم گجرات را پذیرفته و سرزمینی را برای سکونت اختیار کردند و به یاد سنجان ایران، بر این منطقه نام سنجان نهادند. در ادامه اشاره می‌کند که در آن‌جا به ساختن آتشگاه پرداخته (تصاویر شماره ۳ و ۴) و مراسم مذهبی را در آن‌جا برپا ساختند. آن‌ها اولین آتش بهرام را به یاد میهنشان ایران‌شاه نامیدند.

با گذشت زمان زرتشتیان در سراسر هند پراکنده شدند. در قرن ۵ هجری مسلمانان به هند و سنجان حمله و بعد از تسخیر آن‌جا زرتشتیان به بانسده مهاجرت و با گردهم آمدن دوباره زرتشتیان زندگی مجددی را آغاز کردند.

در آن گاهش یکی جشن سده بود

به شهر بانسده آتشکده بود

به ماه آذر و در روز آذر

همان جشن سده بود ای برادر

نویسنده در آخر کتاب اشاراتی به نام و نشان نیاکان خود کرده و سرود پایانی کتاب را آورده است.^۶



نمونه‌ای از قدیمی‌ترین نسخه‌ی فارسی کتاب قصه سنجان



نمونه ای از آتشکده زردشتیان در بمبئی

کتاب بیان می‌کند. ویلیامز می‌نویسد که برای ترجمه‌ی و انتشار این کتاب قصدی نداشتیم و کار بر روی قصه سنجان از روی علاقه‌ی من و جنبه‌ی شخصی داشته است، اما به دلیل این که دریافتیم بسیاری از نویسندگان و دانشمندانی که به این کتاب ارجاع داده اند، و در این باب نوشته‌اند، بعضاً نسخه فارسی آن را ندیده‌اند چه برسد به این که مطالعه و تفسیر کنند، در نتیجه‌ی ترجمه‌ها و تفاسیر موجود از این کتاب را گمراه کننده دیدم و به انتشار کتاب حاضر پرداختم (ix).

در ادامه اشاره می‌شود که با مطالعه روایت داراب هرمزدیار از چاپ سنگی کتاب، متوجه تفاوت اساسی این نوشته با تفاسیر مربوطه شده و به نقش ساختار شعری کتاب در سلیس‌تر و روان‌تر شدن نوشته و در نتیجه درک بهتر مطالب آن پی برده است (x).

نویسنده در اولین فصل کتاب خود تحت عنوان مقدمه، (Introduction) به ارائه‌ی یک سری پیشنهادها در راستای درک و تفسیر بهتر کتاب قصه سنجان از جمله تهیه‌ی نسخه‌ی جدیدی از متن قدیمی قصه‌ی سنجان، ترجمه‌ی تحت‌اللفظی متن کتاب به انگلیسی (زبان فارسی با خط انگلیسی)،

هجری خورشیدی) وارد هندوستان شدند. قصه سنجان نیز داستان یکی از این مهاجرت‌ها است، که به‌نظر در سده‌ی دوم هجری روی داده است. توجه به این نکته ضروری است در جریان این مهاجرت‌ها ارتباطات بین زرتشتیان ایران و هند تا زمان حمله ایلخانان مغول به ایران قطع نشد. در جریان این حمله ارتباط بین دو گروه حدود چهار قرن قطع گردید تا این که دوباره در زمان صفویان بین دو گروه زرتشتی ایرانی و هندی تماس‌هایی برقرار گردید.

بعد از اشاره مختصری به کتاب «قصه سنجان» (که کتاب حاضر بر اساس آن نوشته شده است) و اشاره دانشمندان ایرانی و خارجی به آن، در ادامه به معرفی کتاب آلن ویلیامز تحت عنوان «افسانه مهاجرت زرتشتیان ایرانی و استقرار و پراکندگی در هند» پرداخته می‌شود.

این کتاب همان‌طور که در ادامه دیده می‌شود مشتمل بر شش فصل است که می‌توان آن را یکی از جدیدترین تألیفات در باب قصه سنجان و داستان مهاجرت پارسیان به هند به حساب آورد. نویسنده در سرآغاز کتاب (Preface) انگیزه‌ی خود را برای انتشار این

آلن ویلیامز مطالب قصه‌ی سنجان را در چپه‌ای برای مطالعه و شناخت جامعه‌ی وقت زرتشتی از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی می‌داند و شرح وقایع و زندگی پارسیان هند را فرع و در درجه دوم اهمیت فرض می‌کند

افسانه مهاجرت

این کتاب را می‌توان ترجمه‌ی بسیار دقیق انگلیسی از قدیمی‌ترین نسخه‌ی فارسی موجود کتاب قصه‌ی سنجان به حساب آورد، که تفاسیر دقیقی از این کتاب ارائه می‌دهد

افسانه مهاجرت

که کتاب فوق را دیده و نسخه‌ای از آن را نیز در اختیار داشته، می‌توان به سرجان ملکم اشاره کرد (صص ۶-۸). در ادامه به بعد افسانه‌ای داستان و تأثیر آن بر زرتشتیان پارسی پرداخته و اشاره می‌کند که جستجو در عقاید و تصورات مذهبی قلمرو دشواری از مباحث موجود در این کتاب را شامل می‌شود (صص ۹-۱۰). در مبحث آوانگاری کتاب، با اشاره به ارائه‌ی متن آوانگاری شده به زبان لاتین، به تفاوت سنت نوشتاری این کتاب با متون کهن و قرون وسطایی اروپا پرداخته و زبان آن را به جزء چند استثناء (که در توضیحات به آن پرداخته) روشن و قابل فهم می‌داند (صص ۱۱-۱۷). آلن ویلیامز در مبحث استعاره و کنایه در قصه سنجان، اشاره می‌کند که ۱۳ شعر از ۱۷ شعر کنایه‌ای قصه سنجان، درباره‌ی رویداد جنگ و مبارزه است. بهمن کیقباد این جنگجویان را به حیواناتی هم‌چون شیر نر، پلنگ، کروکودیل، و آدم‌های مست و دزدهای دریایی تشبیه کرده است (صص ۱۷-۱۸). در ادامه به توضیح داستان پرداخته و اشاره می‌کند که با تفسیر درست این کتاب می‌توان بسیاری از زوایای تاریخ و فرهنگ پارسیان هند دست یافت. در آخر فصل نیز به ۶۴ سطر نوشته‌ی سانسکریت که در سنن

تهیه‌ی یک تفسیر جزء به جزء از متن اصلی کتاب، بحث بر روی ساختار روایی متن، و بحث بر روی ابعاد مذهبی و افسانه‌ای اسناد و کتاب‌های زرتشتیان می‌پردازد. در ادامه به اهمیت این کتاب برای زرتشتیان و تعداد معدود دانشمندان علاقمند به مطالعه گذشته می‌پردازد. (صص ۱ و ۲) و به معرفی مؤلف (بهمن کیقباد) و کتاب او می‌پردازد و اشاره می‌شود که با مطالعه این کتاب می‌توان به تاریخ دفاع و پیروزی، ترک کردن و رسیدن، خونخواهی و مصالحه زرتشتیان در مسیر مهاجرت از ایران به هند دست یافت. هم‌چنین به اهمیت این کتاب برای زرتشتیان مهاجر و نقش آن در بازسازی هرمنوتیکی تاریخ و بیان علل و چرایی مهاجرت پرداخته شده است (صص ۳-۵) در ادامه‌ی این فصل به چگونگی جمع‌آوری و تألیف کتاب قصه سنجان و ارزش آن از جهاتی چند هم‌چون، تصدیق ارزش گذشته‌کشیش‌ها هم به عنوان شخصیتی مذهبی و هم به عنوان شخصیتی ایرانی، گزارشی از آینده زرتشتیان در هند و ارتباط آن‌ها با زرتشتیان ایران از طریق تصورات مذهبی و فرهنگی شان، نقش کتاب در آشنایی اروپائیان به فرهنگ زرتشتی و مهاجرت آن‌ها پرداخته شده است. از جمله اروپائینی



نمونه‌ای از برج خاموشی یا گورستان زردشتیان در هند

ثانیاً دانشجویان غیر فارسی‌زبانی که تاریخ ادیان را مطالعه می‌کنند، ضرورتاً اطلاعی از حروف الفبای عربی نداشته و با نوشتن این شیوه، خواندن و درک متن برای آن‌ها به مراتب آسان‌تر می‌شود. نمونه‌ای از شیوه‌ی غیر متعارف آن ویلیامز در اولین بیت کتاب قصه سنجان: بنام ایزد دانای سبحان (In be nām-e izad-e dānāy-ye sobhan); Gods name, who is wise, the most sublime به هر دم می‌سرایم نکته از جان (be har dam mi sorāyam نکته از jan); my soul sings His Delights in every moment

آن ویلیامز در چهارمین فصل کتاب خود تحت عنوان تفسیر (commentary)، به تفسیر نوشته‌های قصه سنجان در ارتباط با نوشته‌های کهن‌تر زرتشتی به زبان‌های پارسی، پهلوی، و اوستایی می‌پردازد. در ارائه‌ی تفسیری بهتر و دقیق‌تر از این قصه، و جنبه مشترک آن با دیگر نوشته‌های زرتشتی، توجه به بعد افسانه‌ای، تاریخی و مذهبی این کتاب ضروری است. چنان‌که با مطالعه این کتاب می‌توان از یک طرف به اشتراک ریشه‌ای اساطیر ایران باستان پی‌برد و از طرف دیگر می‌توان اشتراکات و تفاوت‌های دینی بین زرتشتیان ایران و هند را مشخص کرد. در این راستا توجه به بعد مکانی (دوری زرتشتیان هندی به زرتشتیان ایرانی) در تفسیر این تفاوت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از دیگر کتاب‌های قابل مقایسه با قصه سنجان، می‌توان از کتاب «قصه زرتشتیان هندوستان» اشاره کرد. از این کتاب نیز می‌توان به برخی از جنبه‌های اشتراکی تاریخی و مذهبی، با کتاب قصه سنجان دست یافت. از جمله مطالب ارائه شده در کتاب قصه‌ی زرتشتیان هندوستان، که در کتاب قصه‌ی سنجان به آن پرداخته نشده است، می‌توان به جزئیات اختلاف زرتشتیان در هندوستان اشاره نمود (صص ۱۴۳ - ۲۰۴).

به نظر راقم این سطور، توجه به تقسیمات طبقاتی و نقش آن در اختلافات و در نهایت پراکندگی‌ها، موضوعی شایان توجه بسیار است که امید است در نوشته‌های بعدی در باب مهاجرت زرتشتیان، در قالب بحثی جداگانه به آن پرداخته شود.

در ضمن توجه به این نکته ضروری است که عده‌ی کمی از پارسیان هند در سنجان ماندند و در زنده نگه داشتن آداب و رسوم گذشتگان خود گام‌های اساسی برداشتند. هر چند که این عده نیز با حمله اعراب به هندوستان، از سنجان نقل مکان کردند و به همراه دیگر زرتشتیان در پانسنده مستقر شدند. در فصل پنجم کتاب افسانه مهاجرت زرتشتیان به هند که نویسنده از آن تحت عنوان «یک آینه یا یک ساعت؟» (A Mirror or a Clock?) نام می‌برد، به جای شرح وقایع و رویداد سفر و ماجراهای آن، در صدد فهم هدف مهاجرت و انگیزه‌ی تألیف و معانی واقعی کتاب قصه‌ی سنجان از ورا‌ی تحلیل و درک درست متون آن است. نویسنده در بیان علل انتخاب این عنوان و این‌که چرا عنوان این فصل با علامت سؤال آغاز می‌شود اشاره می‌کند که: «زیرا من دوست دارم راه دیگری را در آینده در باب این داستان باز کنم».

در تشریح جمله‌ی فوق، با انتقاد به نویسندگان قبلی که در باب قصه سنجان مطالبی نوشته‌اند، تمام آن مطالب را تاریخ‌نگاری صرف و شرح شعروار وقایع و گزارش‌های ضعیف تاریخی می‌داند و مطالب این فصل را ارائه معانی



پارسی، در بعضی جنبه‌ها با قصه سنجان اشتراکاتی داشته است می‌پردازد (صص ۱۹-۲۲).

آن ویلیامز در دومین فصل کتاب خود تحت عنوان داستان سفر (The Narrative of Journey)، خلاصه‌ای از داستان سفر زرتشتیان به هند و مصائب و مشکلات پیش روی آن‌ها را مطرح می‌کند که قسمتی از آن در فوق بیان شده است. ترتیب و توالی مطالب ارائه شده در این فصل منطبق و در راستای مطالب نوشته شده توسط بهمن کیقباد در کتاب قصه سنجان است. بدین ترتیب که در ابتدا به سرودها و نیایش‌های آغازین کتاب قصه سنجان می‌پردازد و در ادامه با تشریح سفر پارسیان به هند و مسیر حرکت آن‌ها، از تفرقه، پیروزی و شکست پارسیان در هند سخن به میان می‌آید. در ادامه به داستان سفر ایرانشاه پرداخته و در آخر فصل به سرود پایانی پارسیان هند که بخش پایانی کتاب قصه سنجان را نیز تشکیل می‌دهد، پرداخته می‌شود (صص ۲۳ - ۵۲). به دلیل این‌که عمده مطالب این فصل در ابتدای مقاله آمده است، از اطلاع‌ی کلام در این باب خودداری می‌شود.

نویسنده در سومین فصل کتاب تحت عنوان آوا نویسی و ترجمه (Transcription and Translation) با یک شیوه غیرمعمول متن کتاب قصه سنجان را می‌آورد. در این قسمت نویسنده متن این کتاب را با خط انگلیسی و زبان فارسی (فینگلیش) می‌نویسد و در ذیل هر قسمت نیز ترجمه آن را به زبان انگلیسی می‌آورد (صص ۵۳ - ۱۴۲). نویسنده در باب علت انتخاب این روش غیر متعارف اشاره می‌کند که عموم محققین ایرانی و پارسی‌زبانان، ترجیح می‌دهند که نسخه دست‌نوشته متن را به حروف عربی بخوانند تا حروف لاتین. اما در باب نوشتن آن با حروف لاتین دو دلیل ارائه می‌دهد: اولاً خواندن متن آوانگاری شده لاتین راحت‌تر بوده و

این کتاب به قصه‌ی سنجان به عنوان یک رویداد تاریخی صرف و از منظر گاه‌نگاری تاریخی، و یا ابزار و سکویی برای بازسازی تاریخ پارسی نمی‌نگرد

افسانه مهاجرت

اند ناست، بلکه ویلیامز هدف این مهاجرت را نه اجبار بلکه وضعیت نامساعد زمان و ترغیب در ساخت آینده‌ای بهتر می‌داند. از نکات مطرح در باب این کتاب، پیدایی دریچه‌هایی در راستای معرفی و شناخت جامعه وقت زرتشتی از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی است که کتاب فوق را در برابر دیگر آثار مرتبط با قصه سنجان برجسته کرده است. از دیگر نکات مطرح در باب کتاب فوق، استفاده از منابع دست اول در تألیف مطالب کتاب است که خود به عنوان عامل مهمی در درک، شناخت و تحلیل بهتر داستان مهاجرت داشته است. در واقع این کتاب برخی از شکاف‌هایی را که برای مدت طولانی در این مورد بوده را پر کرده است. با وجود این که کتاب فوق را می‌توان فصل جدیدی از مطالعات پارسیان هند به حساب آورد، اما نتوانسته است به بسیاری از سوالات مطرح شده در این باب پاسخ دهد: پارسیان مهاجر به هند از کدام طبقه از طبقات امپراطوری ساسانی بوده است؟ آیا می‌توان نظام طبقاتی ساسانی را در بین پارسیان هند مشاهده نمود؟ آیا این نظام طبقاتی در اختلافات بین پارسیان هند مؤثر بوده و در صورت مؤثر بودن، تا چه اندازه تأثیر داشته است؟ فاصله‌ی مکانی بین زرتشتیان ایران و هند تا چه اندازه در کمرنگ کردن حس ایران دوستی پارسیان مؤثر بوده است؟ چرا پارسیان هند از سنجان خراسان مهاجرت کردند؟ آیا بین ایالت خراسان و دیگر ایالات صدر اسلام تفاوت‌هایی وجود داشته است؟ آیا ایرانیان مقیم سنجان خراسان در شروع سفر خود مطلع از کوچ به گجرات هستند؟ و مسیر مهاجرت پارسیان از سنجان به جزیره‌ی هرمز و از آنجا به گجرات مشخص نشده است. علل انتخاب جزیره‌ی هرمز به عنوان مکان مهاجرت زرتشتیان مشخص نشده است. این سوالات و دیگر سوالات مطرح در باب مهاجرت پارسیان به هند، هنوز هم بی‌جواب مانده و امید است در پژوهش‌های بعدی در باب این مهاجرت، بتواند تا حد امکان به آن‌ها پاسخ داده شود.

پی‌نوشت

1 | m.mousavi_nia@yahoo.com

۲. کیقباد، بهمن، قصه سنجان، ویراسته هاشم رضی، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۵۰.
۳. مستوفی قزوینی، حمدالله، نزه القلوب، بمبئی، چاپ سنگی، ۱۳۱۱ ه.ق.
۴. حموی، یاقوت، معجم البلدان، تهران، مترجم علیقلی منزوی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بی‌م، انتشارات نقره، ۱۳۶۷.

واقعی و هدف اصلی تألیف قصه سنجان می‌داند. در این راستا آن ویلیامز مطالب قصه‌ی سنجان را دریچه‌ای برای مطالعه و شناخت جامعه‌ی وقت زرتشتی از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی می‌داند و شرح وقایع و زندگی پارسیان هند را فرع و در درجه دوم اهمیت فرض می‌کند. در جهت شناخت گسترده و همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی پارسیان مهاجر به هند، به تشریح جامعه و تاریخ اواخر ساسانی و زمینه‌های اعتقادی و دینی وقت که به عنوان محرک اصلی این مهاجرت بوده پرداخته (صص ۲۰۵-۲۰۷) و در ادامه به چگونگی سنت تاریخی‌نگاری در بین ایرانیان و هندیان وقت و تأثیر آن در انتقال نسل به نسل و در نهایت تألیف کتاب قصه‌ی سنجان اشاره می‌شود. در آخر این فصل نیز مطالب کتاب قصه سنجان را هم‌چون آینه‌ای می‌داند که افسانه‌ها و تشریفات مذهبی پارسیان وقت را به خوبی در خود منعکس کرده است (صص ۲۰۸-۲۲۱). در ششمین و آخرین فصل این کتاب که عنوان نتیجه‌گیری (Conclusion) دارد مؤلف به جمع‌بندی مطالب نظری خود پرداخته است. در این راستا متن کتاب قصه سنجان را از دیدگاه اسطوره‌شناسی بررسی و برخی از مطالب آن را نوعی فائق آمدن بر فلاکت تحلیل می‌کند. از دیگر نکات جدید مطرح شده توسط آن ویلیامز در باب قصه سنجان، اشاره به نوعی انتقام‌جویی از اسلام و مسلمانان در نوشته‌های این کتاب است. (صص ۲۲۳-۲۲۸).

جمع‌بندی:

این کتاب را می‌توان ترجمه‌ی بسیار دقیق انگلیسی از قدیمی‌ترین نسخه‌ی فارسی موجود کتاب قصه‌ی سنجان به حساب آورد، که به همراه ارائه و بیان داستان فوق بر اساس این نسخه، تفاسیر دقیقی از کتاب قصه‌ی سنجان را ارائه می‌دهد و هم‌چنین نظریات جدیدی در باب مهاجرت زرتشتیان به هند، نه به عنوان یک گاه‌نگاری تاریخی، بلکه به عنوان منشوری از هویت زرتشتیان و بنیادهای اسطوره‌های شان بیان می‌دارد. در این کتاب به قصه سنجان به عنوان یک رویداد تاریخی صرف و از منظر گاه‌نگاری تاریخی هم‌چون معرفی مسیر مهاجرت و زمان و مکان‌های حرکت، هم‌چون دیگر آثار معدود نوشته شده در این باب، که از این کتاب به عنوان ابزار و سکویی برای بازسازی تاریخ پارسی استفاده می‌کردند، نگاه نمی‌شود. بلکه سعی دارد با ارائه‌ی جزئیات و تفاسیر دقیق، و تطبیق جای نام‌های موجود در این کتاب با جای نام‌های معاصر، به تصدیق حضور پارسیان در هند و شرح و تفسیر چگونگی و چرایی حضور آن‌ها پرداخته شود. در این راستا هدف از مهاجرت زرتشتیان جبر محیطی و زمانی، آن‌چنان که برخی دانشمندان گفته